

به عالم عزیزم دردم  
شمر خوب سز منم :

تو درد را می شناسی

آنگونه که ابروی دریا را

و لب ندره کس را

تو عشق را می شناسی

آنگونه که آفتاب زمین را

و نور دیده کز خشم چند را

تو سفر را می شناسی

آنگونه که چشم روستی را

و سیلوفران آبی دریا را

ای شمر بزرگ

تو خود

دردی

عشق  
شعری

قره بنی زینب زکی

تا ابد دوست دایم



عالم جنم در این چند ماهی که نبود

دلم برایت صلی تنگ شد و هر روز بیدار

بودم و امید دارم که دیگر هیچوقت از هم جدا

نشوم .